

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می نمایم.

امضاء:

- ۱- معنی هریک از واژه‌های زیر به ترتیب، کدام است؟
«کاید، صورت شدن، تناور، موضع»
(۱) حيله گر، به نظر آمدن، فربه، جای
(۳) موجود زنده، نقاشی کردن، فربه، جایگاه
- ۲- کدام مورد می تواند پاسخ مناسبی برای تعداد بیشتری از معانی واژه‌های زیر باشد؟
«مقالت، استیصال، زاد، چلمن، مایه، اندیشه»
(۱) گفتار، اضطراب، دادگاه، ناچاری
(۳) بی‌عرضه، قدرت، وصل شدن، گذرگاه
- ۳- معنی چند واژه نادرست است؟
(تیمار: توجه)، (دغل: ناراست)، (تام: کامل)، (هزاهز: هجوم)، (گسیل کردن: یاری کردن)، (پایاب: عمق)، (دهشت‌بار: اندوهگین)، (گراف: بیهوده)
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۴- املاي درست واژه‌ها به معانی «کم شدن، شیفته، آرامش و قرار، میان، بیگانه» کدام است؟
(۱) اثنا، نغصان، حلیه، محب، انبساط
(۳) اجانب، بهبوحه، مجذوب، نقصان، ثلاثه ثلاثه
(۲) غریب، اثنا، مستغرق، صفوت، ثلاثه ثلاثه
(۴) اجنبی، بحبوحه، نقصان، مستغرق، طمأنینه
- ۵- در عبارات زیر املاي کدام واژه‌ها غلط نوشته شده است؟
- در این تضرع و ضجّه، آدم را سرگشته و دیده به خون دل آغشته بگذاشتند و عزّت الوحیت از کبریا و عظمت با جان مستمند و دل دردمند آدم می‌گفت.
- من تو را به عزّت از ملائکه مقرب برگزینم و حضرت کبریا را در معرض اعتراض آرم و تو شکر نعمت‌ها نگراری و غدر خود ندانی.
(۱) ضجّه، نگراری (۲) الوحیت، غدر (۳) آغشته، غدر (۴) الوحیت، نگراری
- ۶- املاي کدام عبارت «کاملاً» درست است؟
(۱) درویشی درآمد با طیلسانی و عنبانی و عصایی، خواست که در سرای ابراهیم ادهم رود.
(۲) عزیز من! چه کنی سرایی را که یک حد به فنا دارد و دوم به زوال و سوم به وذر و وبال؟
(۳) عزیزا! یا خلعت وصال دوخته‌اند یا جامه فراق. اگر از غیب نصیب تو صلت وصال آمد، از شکر میاسا.
(۴) جوانمردا! عروس ایمان داری ولیکن هلیت معاملت نداری و ندانستی که خاتم بی‌نگین گذاختن را شاید.
- ۷- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟
«هان تال لب شیرین نستاند دلت از دست
کان کز غم او کوه گرفت از کمر افتاد»
(۱) استعاره، ایهام، مجاز، جناس
(۳) جناس، ایهام، تشبیه، حسن تعلیل
(۲) استعاره، تشبیه، مجاز، حس آمیزی
(۴) کنایه، اغراق، حس آمیزی، حسن تعلیل
- ۸- در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام» یافت می‌شود؟
(۱) جوی خون از چشم مردم می‌رود بی‌اختیار
(۲) خلق را از لعل میگون تو مستی داده‌اند
(۳) قتل ما ای دل به تیغ او مقدر کرده‌اند
(۴) سودها بردند تجاری که در بازار عشق
بس که دل را در غمش سرچشمه خون کرده‌اند
عقل را از چشم فتان تو مفتون کرده‌اند
غم مخور زیرا که روزی را مقرر کرده‌اند
نقد جان را با متاع بوسه سودا کرده‌اند

- ۹- در کدام بیت بیشترین تشبیه وجود دارد؟
 (۱) زلف هندو صفت لیلی و علقم مجنون
 (۲) تا بود گوی کواکب در خم چوگان چرخ
 (۳) جز دیده هیچ دوست ندیدم که سعی کرد
 (۴) چو بلبل آمدت تا چو گل ثنا گویم
- ۱۰- آرایه‌های «استعاره، اسلوب معادله، جناس و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟
 الف- غنچه دل را به بوی یار دربرمی کشیم
 ب- در دهانش خنده شادی سراسر می رود
 ج- نیست پروای اجل فرهاد شیرین کار را
 د- روز ما با شب یکی زان آفتاب انور است
 (۱) ب - ج - الف - د (۲) ج - الف - ب - د (۳) د - ب - الف - ج (۴) د - ج - ب - الف
- ۱۱- در کدام عبارت «قید، مفعول، صفت نسبی و قید صفت» مشهود است؟
 (۱) گاه به گاه به دیدارش می رفتم و کنار پنجره بسیار کوچک اتاقش می نشستیم و او برای من قصه می گفت.
 (۲) نخستین بار از زبان خاله و گاهی هم مادرم بود که بعضی از قصه‌های بسیار اصیل ایرانی را شنیدم.
 (۳) او نیز مانند دایه ام موجود یک کتابی بود؛ یعنی، علاوه بر قرآن و مفاتیح الجنان، فقط کلیات سعدی فاخری داشت.
 (۴) ندانستن مقداری لغت، مانع از برخورداری ما نمی گردید و اگر یک بیت را نمی فهمیدیم، از بیت دیگر آن مفهومش را درمی یافتیم.
- ۱۲- صفت‌های «فاعلی، شمارشی، مفعولی و مطلق» به ترتیب، در کدام عبارات آمده است؟
 الف- تزار بارها باند گرم و آغشته به خون را از روی زخم باز کرد.
 ب- اگر من زنده ماندم و تو مایل بودی، غلامت خواهم شد.
 ج- پس، تزار جامه‌ای زنده پوشید و تنها به راه افتاد.
 د- برخی به نخستین پرسش تزار پاسخ مناسب دادند.
 (۱) الف - ب - د - ج (۲) ب - ج - الف - د (۳) ب - د - الف - ج (۴) ج - د - ب - الف
- ۱۳- نقش ضمیر «ش» در کدام بیت متفاوت است؟
 (۱) حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد
 (۲) کشته چاه زنخندان توام کز هر طرف
 (۳) من ایستاده تا کنمش جان فدا چو شمع
 (۴) مرا به کار جهان هرگز التفات نبود
 یعنی از وصل تماش نیست بجز باد به دست
 صد هزارش گردن جان زیر طوق غبغب است
 او خود گذر به ما چون نسیم سحر نکرد
 رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
- ۱۴- در متن زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟
 «تیرانا! اگر هیچ در سرنوشت از آزادی بهره‌ای باشد، همینم از آفریدگار، سپاس‌گزاری بس که بدین سعادت
 رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم.»
 (۱) مضاف‌الیه، نهاد، مسند، متمم
 (۲) مضاف‌الیه، مسند، قید، مفعول
 (۳) نهاد، مسند، مسند، مفعول
 (۴) مضاف‌الیه، نهاد، قید، متمم
- ۱۵- با توجه به ابیات زیر کدام مورد غلط است؟
 «فلک در شگفتی ز عزم شماسست
 شما را چو باور به یزدان بود»
 (۱) در سروده پنج ترکیب اضافی یافت می‌شود.
 (۲) ابیات از دو جمله ساده و یک جمله مرکب تشکیل شده است.
 (۳) یک صفت فاعلی و یک صفت نسبی در سروده به چشم می‌خورد.
 (۴) جمله‌های ابیات «همگی» اسنادی و «نگهبان» هسته گروه اسمی است.

۱۶- مفهوم کدام بیت تداعی کننده بیت زیر است؟

«آن که عمری می‌دویدم در پی او سوبه‌سو
 (۱) ز بس جستم نشان او نشان گشتم به جست‌وجو
 (۲) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
 (۳) به چشم‌های تو دانم که تا ز چشم برفتی
 (۴) آفتی نبود بت‌ر از ناشناخت

۱۷- کدام بیت دربردارنده مفهوم بیت زیر است؟

«تا خار غم عشقت آویخته در دامن
 (۱) ما را رساند بی‌پروالی به کوی دوست
 (۲) باغ و صحرا اگر از روضه رضوان بایی است
 (۳) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن
 (۴) نسیم آشنارویی که من سرگشته‌اوم

۱۸- عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«گفت: ای روح‌الله، چرا زبون ناکس شده‌ای و هر چند او قهر می‌کند تو لطف می‌فرمایی؟»

(۱) مسیحا را به گفتار آورد خاموشی مریم
 (۲) خنده چون گل به تهی‌دستی خاشاک مزین
 (۳) آن روز تو را نخل برومند توان گفت
 (۴) در بهاران خاطر بلبل بجو تا در خزان

۱۹- مفهوم مصراع «آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

(۱) گرچه جان ما به ظاهر هست از جانان جدا
 (۲) ز بحر ار قطره دور افتد هوا آن را فنا سازد
 (۳) جهان ای پسر ملک جاوید نیست
 (۴) حقیر تا نشماری تو آب چشم فقیر

۲۰- مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

الف- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ب- ز تو این همه جهد و کوشش که چه؟
 ج- گر ندارد غم ما دهر نرنجیم از او
 د- جهد می‌کن روز و شب در کوی رنج
 ه- نیست چیزی در جهان بی‌فایده

(۱) الف - د (۲) الف - ه

۲۱- مفهوم بیت زیر از کدام بیت استنباط می‌شود؟

«چه در کار و چه در کار آزمودن
 (۱) آن به که نمایم سفر اندر طلب سیم
 (۲) اهل همّت را نشاید تکیه بر بازوی کس
 (۳) به هر کاری که همّت بسته گردد
 (۴) محتاج به دانه زمین نیست

ناگهانش یافتم با دل نشسته روبه‌رو»
 نشان از وی چو نتوان یافت هم خود بی‌نشان کردم
 دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
 به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم
 تو بر یار و ندانی عشق باخت

کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها»
 پروانه را به شمع اگر بال‌وپر رساند
 بی‌تو ما را هوس باغ و سر صحرا نیست
 ولی کبوتر جان را نبود قوت بال
 ندانم در کدامین باغ و بستان می‌شود پیدا

تو چون خاموش گردی می‌شود صاحب بیان معنی
 که ز دم‌سردی ایام سزا می‌بینی
 کز هر که خوری سنگ، عوض میوه‌فشانی
 بینوایی کم‌کشی ای باغ و بستان کسی

موج را نتوان شمرد از بحر بی‌پایان جدا
 بیا تا با محیط خود به‌زودی متصل گردم
 ز دنیا و فاداری امید نیست
 که قطره قطره باران چو با هم آمد جوست

که سعیت بود در ترازوی خویش
 ز تاب و تف حرص جوشش که چه؟
 زان که در خاطر ما نیز غم دنیا نیست
 بو که ناگاهی ببینی روی گنج
 تو نصیب خویش جو زین مائده
 (۳) ب - د (۴) ج - ه

نباید جز به خود محتاج بودن»
 تا کار من از سیم شود ساخته چون زر
 خیمه افلاک بی‌چوب و طناب استاده است
 اگر خاری بود گلدسته گردد
 مرغی که به شاخ لامکان رفت

۲۲- ابیات زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«سحر دیدم درخت ارغوانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم:
(۱) گرچه دارد سودها آسودگی از باج و خرج
(۲) سایه من گرچه میبخشد سعادت خلق را
(۳) کناره کردن از افتادگان مروّت نیست
(۴) کاش بودندی به گیتی استوار و دیرپای

کشیده سر به بام خسته جانی
بهارت خوش که فکر دیگرانی»
در زیان گشتن شریک خلق سود دیگر است
از جهان قانع به مشتی استخوان گردیده‌ام
کسی به سایه خود سرگران نمی‌باشد
دوستان در دوستی چون دشمنان در دشمنی

۲۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) به‌سان درختی است گردنده دهر
(۲) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو
(۳) دوران روزگار به ما بگذرد بسی
(۴) در این بهار چنان روزگار افسرده است

گاهی زهر بارش گهی پادزهر
امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو
گاهی شود بهار دگر که خزان شود
که غیر شمع گلی هیچ کس به سر نزند

۲۴- مفهوم کدام بیت از سروده زیر دریافت می‌شود؟

«بین آخر که آن پروانه خوش
چو از شمع رسد پروانه را نور
(۱) تجلی کوه را کبک سبک پرواز می‌سازد
(۲) رحم کن بر ما سیه‌بختان که با آن سرکشی
(۳) نیست گر پیوسته با هم تاروپود حسن و عشق
(۴) هر چه در خاطر پروانه مصوّر گردد

چگونه می‌زند خود را به آتش
در آید پرزنان پروانه از دور»
نیاید در حضور شمع از پروانه خودداری
شمع در شبها به دست آرد دل پروانه را
چون شود پروانه ساکن؟ شمع چون گردد خموش؟
می‌توان دید در آینه بینایی شمع

۲۵- متن زیر با کدام بیت «تقابل مفهومی» دارد؟

«من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آن که زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر کرامت
باشم و سراپا گشاده‌دستی.»
(۱) می‌شود شهپر توفیق، سبک‌باری خلق
(۲) مرا ز بی‌بری خود نیست بر دل بار
(۳) عصای کور می‌دزدند اهل عالم از خست
(۴) فقر تا ما بینوایان را حمایت می‌کند

بار مردم بکش و بار به دل‌ها مگذار
که چون چنار به دست تهی برآمده‌ام
توقع از که می‌داری که گیرد دست وامانده
سایه پشتیبان دیوار است در ویرانه‌ام